

متن پرسش

سلام و نور: عرض تسلیت به مناسبت ایام شهادت. از مجموعه خانه طلاب جوان قم (نشریه خط) هیئت تحریریه در شماره جدید نشریه علاوه بر پیگیری موضوع اصلی آن که به نظم نوین جهانی می‌پردازد، همچنین به دنبال بررسی و تبیین سبک زندگی علمی طلبه عصر انقلاب هستیم، در این میان برخی ریزموضوعات انتخاب شده اند که به پیوست خدمت تان تقدیم می‌شود، لکن اگر فراغت بالی برای حضرت استاد حاصل است توفیقی است که از قلم جنابان در رابطه با موضوع عرفان نظری و سوالاتی که ذیل این موضوع مطرح شده استفاده کنیم. سوالات درباره عرفان نظری: اولاً عرفان نظری آری یا نه؟ (با توجه به کلیپ معروف رهبری و موضع ایشان نسبت به عرفان نظری که منجر به حرف و حدیث‌هایی است) چرا عرفان نظری ضرورت دارد؟ ثانیاً آیا این درس باید عمومی باشد یا خصوصی (نظر حضرت امام نسبت به تعطیلی درس فلسفه مرحوم علامه و ممشای ایشان در طرح مباحث عمیق عرفان نظری در جلسات تفسیر سوره حمد از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به ظاهر متناقض به نظر می‌رسد)؟ عرفان نظری چه کاربردی دارد آیا مبانی این علم در جامعه شناسی سرریز دارد؟ می‌توان از مباحث عرفان نظری در تحلیل‌های سیاسی بهره برد؟ چه میزان در امامت و رهبری امت دخیل است؟ شیوه مطلوب تحصیل این علم چیست؟ برای تعمیق در اندیشه و مکتب علمی امام آیا تحصیل عرفان نظری لازم است یا خیر؟ و در نهایت اگر عرفان نظری نخوانیم از چه چیزی محروم خواهیم شد؟ پیشاپیش از بذل توجه حضرتعالی سپاسگزاریم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم:

۱. عرفان نظری به عنوان مبانی معرفتی که دستورات شریعت بر آن بنا شده است، همواره مورد توجه دین و ائمه هدی «علیهم‌السلام» بوده است. در آن حدّ که امام صادق «علیه‌السلام» می‌فرمایند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ»؛ بالاترین عبادت ادامه تفکر در باره خدا و قدرت او است. در این روایت، خداوند و آلاء و نشانه‌های قدرت او موضوع تفکر است. می‌فرمایند تفکری که موضوعش خدا و آثار قدرت پروردگار باشد، بالاترین عبادت است. ولی عرفان نظری به عنوان موضوعاتی که تحت این عنوان بحث می‌شود مثل «اعیان ثابته» و یا «احدیت» و امثال آن، موضوعاتی نیست که نیاز همگان باشد و ملاحظه فرمودید که شهدای ما ره صدساله را یک شبه طی

کرده‌اند آنهم با نظر به شخصیت حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و اشاراتی که ایشان نسبت به حقایق داشتند و به نظر می‌آید رهبر معظم انقلاب متذکر این امر هستند که فکر کنیم همه مردمان باید متوجه این اصطلاحات باشند.

۲. به هر حال مباحثی که در عرفان نظری مطرح است از آن جهت که نظر به اسمای الهی دارد بسیار مهم است و قرآن می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (اعراف/۱۰۸) برای خداوند اسماء حسنایی هست، او را به آن اسماء بخوانید. یعنی گاهی حق به صفت رحمان جلوه می‌کند، به آن تجلی می‌گویند: «اسم رحمان» یا به صفت رحیم جلوه می‌کند، به آن تجلی می‌گویند: «اسم رحیم» اینها اسماء حسنای الهی هستند یعنی حق اند در صفاتی خاص. آن وقت آن اسماء مظهر می‌خواهد تا به نمایش در آیند: امام صادق «علیه‌السلام» در رابطه با آیه فوق می‌فرماید: «نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» به خدا سوگند ما مییم اسماء حسنای الهی. ملاحظه کنید امام خودشان را چطور می‌نامد به ما معرفی می‌کند و ما را به کجا راهنمایی می‌فرماید. ابتدا باید متوجه بود «اسماء حسنا» یعنی چه که عرفان نظری در این مورد به ما کمک شایانی می‌نماید بخصوص اگر گرفتار اصطلاحات نباشیم و اشارات مطرح شده در عرفان نظری را مدّ نظر داشته باشیم. بعد از آن است که می‌توانیم متوجه باشیم چرا ائمه معصومین (علیهم‌السلام) اسماء حسنای پروردگار هستند.

۳. همان‌طور که متوجه هستید حضرت امام در مرحله‌ای از تاریخ متوجه هستند مباحث عرفانی اگر عمومی گردد و لقلقه زبان عده‌ای شود، علاوه بر آنکه آن معانی بلند از جایگاه خود تقلیل می‌یابند، حتی ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد ولی با ظهور انقلاب اسلامی و افق جدیدی که برای مردم ما پیش آمد، اصطلاحات عرفان نظری اشارات خاص خود را به میان آورد و ملاحظه فرمودید که چه اندازه حضرت امام در شرح سوره «حمد» از آن اصطلاحات به طور خاص استفاده کردند و چه اندازه جایگاه آن خالی بود تا معلوم شود آموزه‌های دینی تا کجاها انسان را جلو می‌برد و چه اندازه جای تأسف دارد که ما آن راه را با جوانان خود در میان نگذاشتیم تا آن حدّ که آن‌ها گمان می‌کنند دین، تنها همین اصطلاحات عرفی و تکالیف ساده است. در حالی که بشر جدید و نسل جوان ما نظر به نهایت‌ها دارند که مباحث عرفانی متذکر آن می‌باشد.

۴. مسلماً عرفان نظری به معنای خاص آن که جایگاه انسان را در هستی در ابعاد متعالی آن مدّ نظر قرار می‌دهد، امری نیست که در مباحث سیاسی بتوان از آن سخن نگفت و جامعه ایده‌آل مدّ نظر اسلام را از آن طریق تبیین نکرد.

۵. مسلماً شخصیت حضرت امام خمینی از مباحث عرفانی ایشان جدا نیست و اگر متوجه باشیم امروز که انسان خودش برای خودش مسئله شده است و موضوع سوبژگی انسان در میان است؛ شخصیت فکری حضرت امام مدّ نظر نیاید، عملاً انسان جدید همواره از گمشده خود محروم خواهد بود و این‌جا

است که با نظر به شخصیت امام و مباحث حکمی و عرفانی ایشان می‌توان بشر امروز را که به نهایت‌ها نظر دارد؛ مورد خطاب قرار داد و با او به گفتگو نشست.

۶. به نظر می‌آید امروز بیش از هر روز ما نیاز به معارف عرفانی و حکمی موجود در آموزه‌های دینی خود داریم زیرا بشر آخرالزمانی بشری است که اگر نتواند خود را در نهایت خوبی‌ها حاضر کند، خود به خود برای جوابگویی به خلأ درونی خود در میدان ظلمانی‌ترین ظلمات‌ها قرار می‌گیرد و این امری است که متفکران امروز متوجه آن شده‌اند و نباید جایگاه طرح سوره «حمد» امام را در تلویزیون را ساده گرفت و یا از آن غزل خاصی که خانواده حضرت امام پس از رحلت ایشان مطرح کردند را ساده گذشت. غزلی که در یکی از ابیات می‌فرمایند: «در میخانه گشایید به رویم شب و روز / که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم». باید از خود پرسید این میخانه کدام میخانه‌ای است که حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» طالب گشوده شدن در آن می‌باشند و آن مدرسه و مسجد کدام مدرسه و مسجدی است که حضرت ایشان از آن بیزار گشته‌اند؟ در حالی که همه می‌دانیم آن مرد بزرگ فرزند مدرسه و مسجد بوده‌اند. موفق باشید